

الزامات پلیس نسبت به تضمین و رعایت حریم خصوصی شهروندان*

** سید جواد فرمهبینی فراهانی

چکیده

حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص انتظار دارد در آن محدوده مورد تعرض قرار نگیرد. بر این اساس، چهار مصداق به این شرح برای این حق قابل شناسایی است: حریم خصوصی اماکن و اشیاء، حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اطلاعات و حریم خصوصی ارتباطات. ضوابط قانونی و مبانی شرعی، این مصداق را در نظام حقوقی ایران مورد شناسایی و تضمین قرار می‌دهد که در این مقاله به آنها پرداخته شده است. در ارتباط با تضمین و رعایت حریم خصوصی افراد به عنوان یکی از مهمترین مصداق حقوق شهروندی، نیروهای پلیس الزامات دوگانه‌ای را باید مدنظر قرار دهند؛ به گونه‌ای که در وهله اول باید از مداخله خودسرانه و غیرقانونی در حریم خصوصی افراد بپرهیزند و در مرحله دوم به حمایت از این حقوق در برابر تعدیات احتمالی سایر افراد بپردازند که ضوابط آن در این مقاله بررسی شده است. از سویی دیگر استثنائات مربوط به نقض حریم خصوصی افراد در چارچوب نظم عمومی و مصالح عمومی و امنیت ملی باید مورد توجه قرار گیرد که در این زمینه ضوابط عملکرد پلیس با سه معیار قانونی بودن، خودسرانه نبودن و ضروری بودن مورد ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

الزامات پلیس، حریم خصوصی، رعایت حق،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۷/۵، تاریخ پذیرش: ۸۷/۶/۱۲

** محقق دفتر تحقیقات کاربردی بازرسی کل و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران

Email: daftar as 1385@yahoo.com

مسلم است که «انسان با توجه به انسان بودن از چنان ارزش و موقعیتی برخوردار است که به هیچ وجه نباید وسیله قرار گیرد و حقه‌ها برای پاسداری از این ارزش و موقعیت در کار است» (راسخ، ۱۳۸۴: ۲۴). این قدر و منزلت همان است که از آن با عنوان «کرامت ذاتی» افراد بشر نام می‌برند و در مفهوم آیه شریفه «لقد کرمنا بنی آدم» جلوه گر شده است و می‌توان آن را سنگ بنا و منشأ کلیدی حقوق انسانی از جمله حق حریم خصوصی دانست.

انسان به عنوان انسان از یک سو استقلال فردی دارد و از سوی دیگر به این اعتبار که در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی می‌کند، موجودی اجتماعی است. این طبیعت فطری دو گانه انسان از یک سو از هم جدا و از سوی دیگر چنان به هم آمیخته شده است که گریزی از جمع بین این دو ویژگی نیست و جامعه ناگزیر از پذیرش استقلال فردی وی و پابندی به الزامات ناشی از این استقلال فردی است (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

زندگی در اجتماع، فرد انسانی را از حق داشتن امور شخصی و خصوصی محروم نمی‌سازد. هر کس حق دارد میزان آگاهی دیگران را از مسائل فردی خود به حداقل برساند و از آنها انتظار احترام به حریم خصوصی‌اش را در تمام ابعاد آن داشته باشد. این «دیگران» که اعم از دیگر شهروندان و نیز دولت هستند، باید در برابر تعدی به حریم خصوصی، خود را با ضمانت اجرایی اعم از مدنی و کیفری روبه‌رو ببینند و این امر می‌تواند به تضمین هر چه بیشتر این حق اساسی افراد منتهی شود (میر شمس، ۱۳۸۷).

حریم خصوصی را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق بشری تلقی کرد که با شخصیت وی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. حق انسان به تنها بودن و با خود بودن به وسیله دیگران مورد احترام قرار گرفتن و به دو از چشم و نگاه کنترل‌کننده دیگران و رها از تجسس و تفتیش بی‌مورد دیگران زیستن، حقی است که لازمه شخصیت مستقل و کرامت ذاتی انسان به شمار می‌آید و با «آزادی و استقلال و حق بر تعیین سرنوشت برای خود نیز ارتباط ملازمی دارد» و در متون قانون و شرعی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است (مصطفی زاده، ۱۳۸۵: ۹۵).

در این خصوص، نیروهای پلیس به عنوان جزئی از بدنه دولت و در چارچوب کلی تعهدات دولت در برابر تضمین و رعایت حقوق شهروندان (از جمله حق بر حریم خصوصی) الزامات و تکالیف دو گانه ای را باید مدنظر قرار دهند. از یک سو، آنها موظفند که جز در مواردی که مجوز قانونی وجود دارد از دخالت در حریم خصوصی افراد به طور خودسرانه، خودداری کنند و احترام به حریم خصوصی و کنج خلوت شهروندان را مورد شناسایی قرار دهند و از سوی دیگر آنها موظفند در مقابل نقض حریم خصوصی هر شهروند، توسط دیگر شهروندان نیز عکس‌العمل مناسبی نشان دهند و حقوق و آزادیهای افراد را در این زمینه خاص مورد حمایت قرار دهند و آنها را تضمین کنند؛ به بیان دیگر، نیروهای پلیس صرفاً تعهدات سلبی نسبت به عدم مداخله در حریم خصوصی افراد را ندارند، بلکه فراتر از آن تضمین حق افراد بر حریم خصوصی و حمایت از شهروندان در مقابل مداخله خودسرانه سایر شهروندان را نیز بر عهده دارند.

از این زاویه، فناوری پیشرفته امروزی، علاوه بر پلیس، مردم عادی را نیز قادر ساخته است که به طور مخفیانه بر رفتار دیگران نظارت کنند و اطلاعات محرمانه‌ای را در باره زندگی اشخاص به دست آورند که اصولاً چنین حقی را ندارند. استفاده از دستگاه‌های عکسبرداری مخفیانه، استفاده از پست الکترونیکی و دیگر شیوه‌های الکترونیکی، برقراری ارتباط از دستاوردهای فناوری امروزی است که می‌تواند براحتی برای نقض حریم زندگی خصوصی افراد مورد استفاده قرار گیرد (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

در واقع می‌توان گفت فناوری پیشرفته، قلمرو نقض حریم خصوصی را توسعه داده است؛ لذا باید ابزارهای جدیدی نیز در قالب حمایت‌های ویژه قانونی و اقدامات پلیسی مناسب برای حمایت از حریم خصوصی ایجاد شود.

البته در این مسیر همواره باید حقوق و آزادیهای اساسی شهروندان از یکسو و اصول مهم اجتماعی مانند حفظ نظم عمومی، ایجاد امنیت اجتماعی و مصلحت عمومی از سوی دیگر مدنظر قرار گیرد و در مواردی که پاره‌ای ضروریات، تعدی به حریم خصوصی افراد و نقض این حق فردی را با هدف حفظ نظم جمعی و حقوق جمعی و با در نظر داشتن مصلحت عمومی و نظم جامعه ایجاب می‌کند، این امر باید به موجب قانون و طی شیوه و روش ویژه، مقبول و از پیش تعیین شده صورت گیرد به طوری که گفته شده است. «وسائل خوب، نتایج را نیز پذیرفتنی خواهد کرد» (جعفری تبار، ۱۳۸۵: ۱۳۴). و این همان عدالت آیینی است.

بویژه باید توجه کرد که اعتماد مردم به قوای عمومی و بویژه نیروهای پلیس و انتظار حفظ نظم و امنیت عمومی و حقوق شهروندان از سوی آنها جلوه غیرموجه تری به تعدی خودسرانه به این حق از سوی آنها می‌دهد و لذا حریم خصوصی به عنوان یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته که ارتباط تنگاتنگی با کرامت ذاتی انسان دارد و هدف آن تعالی شخصیت انسان و به دیگر سخن تکریم تمامیت مادی و معنویت انسان است، همواره باید به عنوان راهبردی اساسی مدنظر نیروهای پلیس قرار گیرد (موحد، ۱۳۸۱: ۸۲).

در این مقاله ابتدا سعی می‌شود تعریف جامع و کاملی از حریم خصوصی ارائه شود و مبانی قانونی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی مورد بررسی قرار گیرد. در مرحله بعد تلاش می‌شود مصادیق حریم خصوصی و تکالیف نیروهای پلیس در ارتباط با تضمین و رعایت آنها تبیین شود و سرانجام علل موجه جواز نقض حریم خصوصی در موارد معین و ضوابط قانونی آن به عنوان استثنائات وارد بر اصل کلی رعایت حریم خصوصی مدنظر قرار داده می‌شود.

۱. تعریف حریم خصوصی و دارندگان آن

نکته مهم در مورد حریم خصوصی این است که مفهوم و قلمرو این بعد از حق انسان به دنبال تحولات و پیشرفتهایی که به مرور زمان در زمینه‌های علمی، اجتماعی، اقتصادی و ... صورت گرفته تحت تأثیر قرار گرفته است؛ لذا مفهوم و قلمرو حریم خصوصی در جامعه پیشرفته و متمدن امروزی با مفهوم و قلمرو آن در جامعه سنتی سابق متفاوت است؛ آن گونه که مفهوم و قلمروی آن در دنیای کنونی در جوامع توسعه یافته، عقب مانده یا در حال توسعه می‌تواند متفاوت باشد (محسنی و قاسم زاده، ۱۳۸۵: ۲۲).

هم چنین مفهوم و قلمرو حریم خصوصی را می‌توان با توجه به فرهنگ هر جامعه و نوع حکومت حاکم بر جامعه نیز متغیر دانست. از این نظر بر اینکه فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ مذهبی یا غیرمذهبی و نظام حاکم بر جامعه، نظام سیاسی استبدادی و توتالیتر یا دموکراتیک و مردم سالارانه باشد، مفهوم و قلمرو حریم خصوصی می‌تواند گسترده یا محدودتر باشد (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

افزون بر دو نکته یاد شده باید توجه کرد با اینکه اصطلاح "حریم خصوصی" در زبان محاوره و نیز در مباحثات فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر به کار می‌رود، هنوز تعریف یا تحلیل واحدی از این اصطلاح نشده

است. مفهوم حریم خصوصی در مباحث جامعه‌شناسی دربارهٔ اینکه در فرهنگ‌های مختلف چه ارزشی برای آن قائل شده‌اند نیز ریشه‌های عمیقی دارد.

بدین منظور می‌توان گفت هر چند حریم خصوصی، مفهومی نسبی است که امروزه از جمله آزادی‌اندیشه، کنترل بر جسم خود، خلوت و تنهایی در منزل، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، آزادی از نظارت‌های دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها را شامل می‌شود در واقع، تعریف حریم خصوصی دشوار است؛ زیرا حریم خصوصی، مفهومی بسیار مبهم و شکننده است و برای حقوقدانان بیش از هر چیز دیگری واجد ظرفیت متغیر و متلون است و حتی جدی‌ترین مدافعان حق حریم خصوصی نیز اعتراف کرده‌اند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد (سالو^۱، ۲۰۰۲).

در گذشته توجیه حمایت از حریم خصوصی عمدتاً بر مبنای اصول اخلاقی صورت می‌گرفت. اکنون دو گرایش کلی در برخورد با حریم خصوصی به چشم می‌خورد:

برداشت‌های توصیفی از حریم خصوصی

برداشت‌های دستوری از حریم خصوصی

این برداشتها از ارزش حریم خصوصی و حدود شایسته برای حمایت از آنها به طور تجویزی صحبت می‌کنند.

در هر یک از این برداشتها نیز برخی متفکران، حریم خصوصی را «نفع» تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را یک «حق» اخلاقی یا قانونی می‌دانند که باید به وسیله جامعه یا قوانین مورد حمایت قرار گیرد (انصاری، ۱۳۸۳: ۶-۸).

دشواری تعریف و ترس از ایجاد ابهام به جای روشن کردن هر چه بیشتر قلمروی آن تا حدی است که نه قوانین داخلی (اعم از قوانین اساسی و کیفری) و نه اسناد بین‌المللی هیچ‌یک حاوی تعریف این اصطلاح نیست.

در این میان حقوقدانان تلاش کرده‌اند گاهی بر اساس بیان مصادیق و گاهی نیز بر اساس بیان مفاهیم کلی به تعریف این اصطلاح بپردازند.

در ساده‌ترین تقسیم‌بندی می‌توان چهار نوع مصداق را برای حریم خصوصی بر شمرد:

حریم خصوصی جسمانی؛ حریم خصوصی مکانها و اشیاء؛ حریم خصوصی ارتباطات؛ حریم خصوصی اطلاعات. (تقسیم‌بندی مشابهی نیز در لایحه حمایت از حریم خصوصی ارائه شده است) (انصاری، ۱۳۸۴: ۵). به طور خلاصه در تعیین محدوده هر یک از موارد یاد شده می‌توان چنین گفت:

۱-۱. حریم خصوصی جسمانی مربوط می‌شود به حمایت از حریم فیزیکی افراد در برابر اعمال تجاوزگرانه نظیر آزمایش مواد مخدر و تفتیش بدنی (اسمیت^۲ و آنکر^۳، ۲۰۰۵: ۲۸۹). لایحه حمایت از حریم خصوصی در موارد ۳ تا ۱۵ که خود به مسئله حریم خصوصی جسمانی پرداخته و علاوه بر تفتیش بدنی، تفتیش اشیای متعلق به فرد از قبیل کیف جیبی و ساک را نیز مطرح کرده است.

۱-۲. حریم خصوصی مربوط به محیط پیرامون (اماکن و اشیاء) که به بررسی حریم خصوصی در اماکن خصوصی و منازل افراد می‌پردازد؛ یعنی مکانهایی که در آنها تصور حریم خصوصی ممکن است. در نتیجه

1. Solove
2. Smith
3. Anker

مکانهای عمومی مشمول چنین حمایتی نخواهد بود. اماکن خصوصی طبق بند ۲ ماده ۲ لایحه مزبور، اماکن متعلق به شخص یا اشخاص حقوقی یا در تصرف آنهاست که ورود دیگران به آنها عرفاً مجاز نیست یا مالک یا متصرف قانونی به نحو مشخصی در چارچوب قانون، ورود دیگران را به آن اماکن ممنوع اعلام کرده است مانند بخشهای مشترک مجتمعهای آپارتمانی منزل نیز و هر آنچه عرفاً بدان اطلاق منزل شود (اسمیت و آنکر، ۲۰۰۵).

۳-۱. حریم خصوصی ارتباطات که امنیت و حریم خصوصی نامه، مکالمات تلفنی و سایر اشکال ارتباطات را در بر می گیرد (میرشمس، ۱۳۸۶: ۳۰). ارتباطات اعم است از ارتباطات کلامی - حضوری، کتبی، الکترونیکی، سیمی و غیره که به وسیلهی آن هر گونه مکالمه، انتقال پیام در اشکال کلامی، حضوری، مکتوب، داده، متن، تصویر، صدا، علائم و نشانه ها و یا در یک شکل ترکیبی از آنها انجام گیرد.

۴-۱. حریم خصوصی در یک تعریف «برقراری قواعدی را در بر می گیرد که جمع آوری و اداره اطلاعات شخصی نظیر اطلاعات حساب و سابقه پزشکی را هدایت می کند. اطلاعات شخصی طبق تعریفی که بند ۴ ماده ۲ لایحه یاد شده ارائه داده عبارت است از اطلاعات وابسته به شخصیت افراد نظیر وضعیت زندگی خانوادگی، عادات فردی، ناراحتی های جسمی و شماره کارتهای اعتباری و شماره حسابهای بانکی. البته تبصره این بند اطلاعات مربوط به نام و نام خانوادگی، نشانیهای محل سکونت و محل کار و شماره های تلفن را از شمول تعریف اطلاعات شخصی خارج کرده است. هم چنین بند ۵ همین ماده در بیان مصادیق اطلاعات شخصی حساس از اطلاعات راجع به وضعیت زندگی، اعتقادات (اعم از فلسفی، مذهبی و سیاسی)، عضویت را در احزاب یا تشکلهای صنفی و وضعیت نژادی، قومی و قبیله ای افراد نام می برد. دسترسی به این اطلاعات و افشا یا سوءاستفاده از آنها بر خلاف قانون از موارد نقض حریم خصوصی شمرده می شود (فورد^۱، ۲۰۰۲: ۱۹).

باید توجه کرد که به طور سنتی، مفهوم حریم خصوصی بیشتر به حقوقی ناظر بوده است که با منافع اشخاص نسبت به اموال و بویژه زمین مرتبط بوده است در حالی که امروزه پیشرفت علم نه تنها باعث تحول مفهوم بلکه باعث توسعه قلمرو حقوق حریم خصوصی نیز شده است به گونه ای که امروزه از حریم خصوصی انسان بر داده های کامپیوتری، نامه های الکترونیکی، گفتگوهای الکترونیکی و حسابهای اینترنتی و ... سخن به بیان آمده است.

با عنایت به مصادیق یاد شده، تعاریفی مبتنی بر مفاهیم کلی نیز شکل گرفته است. این تعاریف را می توان در شش دسته تقسیم بندی کرد:

حریم خصوصی حق بر تنها ماندن است.

حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود به حریم هر فرد و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی های ناخواسته به این حریم

حریم خصوصی یعنی محرمانگی؛ یعنی پنهان ساختن برخی امور از دیگران

حریم خصوصی یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی

حریم خصوصی یعنی حمایت از شخصیت و کرامت

حریم خصوصی یعنی صمیمیت و نزدیکی و احترام به روابط خانوادگی (دویل^۱ و باگاریک^۲: ۶).

1. Foord
1. Doyle
2. Bagaric

حریم خصوصی را می‌توان «حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات نسبت به اینکه برای خود تعیین کنند، چه زمانی، چگونه و تا چه اندازه ای اطلاعات مربوط به آنها به دیگران قابل مخابره باشد، دانست و توجه به حریم خصوصی اشخاص هنگامی معطوف می‌شود که فرد مشغول فعالیت‌هایی است که عادتاً باید خصوصی و شخصی تلقی شود. حریم خصوصی غیر این است که تا آن حد یک فرد شناخته می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد و دیگران به وی نزدیکی فیزیکی دارند (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا به آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات آن دسترسی نداشته باشند و یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، لباسها و اشیای همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران، حریم خصوصی به‌شمار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۵۸۱).

۲. دارندگان حق

به نظر می‌رسد تمام افراد بشر، صرف نظر از تابعیت، سن یا اهلیت مدنی یا توانایی ذهنی یا مقام از حریم خصوصی برخوردار هستند و حتی اشخاص حقوقی نیز به این اعتبار که در جامعه مانند اشخاص حقیقی فعالیت دارند از حق حریم خصوصی برخوردار هستند. در این زمینه موازین قانونی صراحت دارد که «شخص حقوقی می‌تواند دارای تمام حقوقی و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد؛ مانند حقوق و وظایف و نبوت و امثال ذلک» (سعد وکیل عسگری، ۱۳۸۳: ۲۹۱-۲۹۲). که مشخص است حریم خصوصی از این موارد خاص (مثل رابطه پدر و فرزندی) نیست و مصادیق حریم خصوصی در ارتباط با اماکن، اشیاء، ارتباطات و اطلاعات اشخاص حقوقی و شرکتهای خصوصی نیز به آسانی قابل شناسایی است و مشمول حمایت‌های قانونی قرار می‌گیرد (مهروپور، ۱۳۸۴: ۱۰).

هم چنین باید توجه کرد که اتباع خارجی مقیم ایران نیز در مواردی که در قانون به عنوان حریم خصوصی معین شده است از حق حریم خصوصی بهره مند خواهند بود. چون حقوقی که به عنوان حریم خصوصی شناخته شده است از حقوقی نیست که قانون صراحتاً آنها را منحصر به اتباع ایران نموده یا آن را صراحتاً از اتباع خارجی سلب کرده باشد و یا از جمله حقوق مخصوص نیست که صرفاً از نظر جامعه‌ای ایرانی ایجاد شده باشد (سعد وکیل عسگری: ۸۴-۸۷).

۳. مبانی قانونی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی

ابتدا باید توجه کرد که در زمینه مبانی قانونی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی باید تفکیکی را میان اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی مورد نظر قرار داد. از این زاویه باید گفت از سویی دولت جمهوری اسلامی ایران در چارچوب کلی سیاست همکاری مسالمت آمیز با کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی و با مدنظر قرار دادن مصالح نظام و (ضمن توجه به انطباق با موازین دینی) به برخی از مقررات و معاهده‌ها و کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی ملحق شده است که در حکم قانون محسوب، و لازم الاجرا تلقی می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۹-۱۹۳). از سوی دیگر قانون اساسی و در تکمیل مقررات آن، قوانینی عادی

(بویژه در بحث مورد نظر، قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی) نیز به عنوان معیارهای قانونی باید مورد احترام قرار بگیرد و اجرا شود.

دولت ایران به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان دو سند مهم بین المللی در زمینه حفظ حریم خصوصی به عنوان اساسی ترین حقوق بشری ملحق شده است. بویژه باید این نکته را مورد تأکید قرار داد که این الحاق، بدون هیچ گونه حق شرط کلی یا جزئی بر مفاد عهدنامه های مزبور صورت گرفته که مبین این نکته است که آنها، بدون کم و کاست و بی قید و شرط در حکم قانون داخلی هستند و رعایت آنها به عنوان موازین قانونی، مورد توجه همه اشخاص ایرانی، بویژه قوای عمومی در معنای عام و نیروهای پلیس در معنای خاص قرار می گیرد (انصاری، ۱۳۸۳: ۳۷).

به موجب ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر "هر کس، حق زندگی خصوصی، آزادی و امنیت شخصی دارد و طبق ماده ۱۲ این اعلامیه، احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

هر چند اعلامیه جهانی حقوق بشر به مفاهیم جدیدی از حریم خصوصی که به مرور زمان و بر اثر پیشرفتهای علمی ایجاد شده، تصریح نکرده است به نظر می رسد با توجه به عبارت کلی "زندگی خصوصی" در مواد ۱۲ و ۱۳، عبارات مزبور شامل همه مفاهیم جدید حریم خصوصی نیز می شود.

هم چنین طبق ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و ساسی نیز حق بر حریم خصوصی به شرح ذیل مورد حمایت قرار گرفته است:

هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات، مورد ملاحظات خودسرانه (بدون مجوز) یا برخلاف قانون قرار گیرد. هم چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.

هر کس حق دارد در مقابل این گونه ملاحظات یا تعرضها از حمایت قانون برخوردار شود. علاوه بر این اسناد بین المللی جهانی در سطح منطقه ای نیز اعلامیه اسلامی حقوق بشر که در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۹۰ در قاهره به امضا رسید در ماده ۱۸ خود مقرر داشته است:

هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و ناموس و خانواده و مال خویش در آسودگی زندگی کند. هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.

مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنان آن به صورت غیرمشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب کرد یا مصادره کرد یا ساکنانش را آواره نمود (همان: ۳۴)؛ لذا می توان گفت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی و نیز مقررات حقوق بین المللی عرضی که در پی تصویب این اسناد شکل گرفته در زمره منابعی است که به طور صریح بر حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران تأکید دارد.

علاوه بر این تعهدات عرضی و قراردادی بین المللی، ساختار نظام حقوقی ایران نیز به گونه ای است که هر چند از حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون کمتر سخن به میان آمده است، حقوق و آزادیهایی که تحت عنوان "حریم خصوصی" قابل حمایت است، جداگانه و در بطن سایر قواعد مختلف نظام حقوقی ایران اعم از قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی،

قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی، اینترنتی و قانون مطبوعات و قانون تجارت بین الملل گاه به طور ضمنی و گاه به طور صریح مورد حمایت قرار گرفته است (نجفی و محسنی، ۱۳۷۹: ۷۰). در این زمینه اگر حریم خصوصی را در حوزه های حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی قابل دسته بندی بدانیم در قانون اساسی ایران، اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.

بررسی سایر اصول قانون اساسی نشان می‌دهد که می‌توان این اصل را گویاترین اصل در حمایت از حریم خصوصی دانست. البته تکمیل مفاهیم مدنظر در این اصل را باید در مصادیق یاد شده در اصل ۲۵ همان قانون مورد جستجو قرار داد.

اصل ۲۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و ترساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳).

در اصول ۱۴ و ۲۰ قانون اساسی به رعایت "حقوق انسانی" همه افراد تأکید شده است. همان طور که در بحث‌های گذشته اشاره شد، حق داشتن حریم خصوصی با کرامت و تمامیت انسانها ارتباط تنگاتنگی دارد و در زمره مهمترین حقوق انسانی است که در اسناد بین المللی بسیاری از آن نام برده شده است (الخرازی، ۱۳۸۰). لذا اولاً می‌توان حق به حریم خلوت و تنهایی را از تعریف موسع اصول یاد شده استخراج کرد. ثانیاً حریم را در ارتباط با مال و مسکن با توجه به تصریح اصل ۲۲ و در ارتباط با محل کار با تفسیر موسع واژه شغل در همان اصل مورد استنباط قرار دارد. ثالثاً حریم اطلاعات را در نسبت مستقیم با آزادی اطلاعات یاد شده در اصل ۲۴ مورد توجه قرار داد و آزادی اطلاعات را محدود به رعایت حق افراد نسبت به حریم اطلاعاتی شخصی‌شان به عنوان یکی از مصادیق بارز عدم اخلاص در حقوق عمومی دانست؛ زیرا حق داشتن حریم خصوصی در زمره مهمترین مصادیق حقوق عمومی است. رابعاً حریم ارتباطات را در نسبت مستقیم با آزادی ارتباطات مذکور در اصل ۲۵ قانون اساسی مدنظر قرار داد به طوری که در این اصل با اشاره به استثنائات آزادی ارتباطات، حریم خصوصی ارتباطات در مورد شایع‌ترین وسایل ارتباطی مورد حمایت قرار گرفته است. این اصل یکی از مهمترین اصول قانون اساسی است که روشن و مشخص به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات پرداخته است. خامساً حریم خصوصی جسمانی را با تفسیر موسع کلمات حیثیت و جان مذکور در اصل ۲۲ قانون اساسی می‌توان مشمول حمایت‌های قانون اساسی دانست (ابو بصیر، ۲۰۰۱).

حریم خصوصی در ابعاد گوناگون آن با تفسیر موسع از قانون اساسی به طرزى که مطابق با فصل پنج قانون اساسی در حمایت از حقوق ملت باشد و با کلیات بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی در وظیفه دولت نسبت به تأمین حقوق و آزادی‌های انسانی در نظام جمهوری اسلامی ایران هماهنگ باشد و با اهداف مذکور در اصل دوم قانون اساسی و هم چنین مقدمه همان قانون در حفظ کرامت و حیثیت ذاتی انسان تطابق داشته باشد به طور کامل قابل استخراج است و با روح آزادیخواهی حاکم بر قانون اساسی انقلاب اسلامی ایران تناسب کامل دارد.

در همین رابطه، کلمه "حقوق" که در اصل ۲۲ مذکور، و "مصون از تعرض" اعلام شده، کلمه کیفی و تفسیری است که حق حریم خصوصی را با "تفسیر پویا" می‌توان مشمول آن دانست. هم‌چنین اصل ۲۵ قانون اساسی، هرگونه تجسس را ممنوع دانسته است که با احراز مفهوم "تجسس" می‌توان بسیاری از

مصادیق نقض حریم خصوصی را با منطقی مستحکم " تجسس " دانست و مشمول ممنوع بودن قانون اساسی دانست.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانون اساسی ایران همانند قانون اساسی فرانسه، اصطلاح " حریم خصوصی " را به کار نبرده است ولی از راه تفسیر می‌توان حریم خصوصی را مورد حمایت قانون اساسی دانست. همان‌طور که در سال ۱۹۹۵ شورای دولتی فرانسه با تفسیر برخی اصول قانون اساسی اعلام کرد که حریم خصوصی به طور تلویحی در قانون اساسی فرانسه مورد حمایت واقع شده است.

نکته دیگری که در مطالعه نظام قانون اساسی ایران باید مد نظر قرار گیرد این است که هر چند از حریم خصوصی به طور صریح در قانون اساسی ذکری به میان نیامده است، اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی را موظف می‌سازد تا در سکوت یا ابهام یا اجمال یا تعارض قوانین به منابع اسلامی و یا فتوای معتبر رجوع، و حکم قضیه را استخراج کند که در زمینه مورد بحث، سابقه آیات و روایات اسلامی در ارتباط با حفظ حریم خصوصی بسیار غنی و قابل توجه است و بخوبی می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۸).

هم‌چنین باید اشاره کرد که دشواری تعریف " حریم خصوصی " بر شرحی که در فصل اول مذکور افتاده، دلیلی بوده است تا در قانون جمهوری اسلامی ایران، این حق در قالب اصولی چون اصل مصونیت مسکن و افراد از تعرض و حقوقی نظیر حق بر امنیت جسمی و حق مالکیت در راستای حفظ کرامت و شرافت بشری و با واژگانی که در نسبت فقهی - حقوقی ایران، ملموس‌تر و روشن‌تر است، بیان می‌شود (مجلسی، ۱۹۹۷: ۲۰۰-۲۰۱). در اصول مرتبط با حریم خصوصی، قانون اساسی ایران به ذکر کلمات " کیفی " و " تفسیری " بسنده کرده و تفصیل امر را به قوانین عادی واگذار کرده است. با این روش هم امکان تفسیر خلاقانه و منعطف با توجه به شرایط زمان و مکان و هم‌چنین با توجه به پیشرفت تکنولوژی و مسائل جدید فراهم می‌شود و هم راه برای تلاش برای ایجاد بیشترین حمایت ممکن از حقوق شهروندان در هر زمان با استفاده از ابزارهای تفسیری باز گذاشته شده است.

البته برای جلوگیری از هرگونه اغتشاش و بی‌نظمی، تفصیل این مقررات اساسی در قوانین عادی، مذکور افتاده است که پرداختن به جزئیات آن در قوانین مختلف از دامنه این مقاله خارج است اما به طور خلاصه در فصل مربوط به بیان مصادیق حریم خصوصی و تکالیف قانونی نیروهای پلیس نسبت به رعایت آنها به بعضی از مهمترین موارد اشاره می‌شود.

۴. مبانی شرعی تضمین و رعایت حق به حریم خصوصی

به طور کلی می‌توان ادعا کرد که لزوم حمایت از حریم خصوصی و عدم مداخله در امور خصوصی دیگران یکی از مهمترین آموزه‌های دین اسلام است. در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم حمایت از حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی است که پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است.

البته اصطلاح " حریم خصوصی " نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی به کار نرفته و موضع اسلام در رویارویی با مقوله حریم خصوصی، موضع به اصطلاح " تحویل گرایانه " است؛ یعنی حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادیهای دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیر قابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است؛ لذا حتی می‌توان ادعا

کرد که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظامهای حقوقی است و مبانی کاملاً مستحکم دینی، مقوله‌های مختلف این حق را مورد حمایت قرار داده است.

تحقیق در منابع حقوق اسلام نشان می‌دهد که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی در قالب حمایت از حریم خصوصی منازل، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی به بیش از ۱۴۰۰ سال پیش برمی‌گردد. در حالی که نخستین جرعه‌های حمایت جدی از حریم خصوصی حتی در موضع تحویل گرایان سنت غرب به قرون ۱۷ و ۱۸ برمی‌گردد در حالی که از همان دوران صدر اسلام، "حریم خصوصی" با موضعی "تحویل گرایانه" مورد حمایت قرار گرفته است؛ یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده و مصادیق این حق در راستای حفظ کرامت و منزلت نوع بشر و تحقق معنای آیه شریفه "لقد کرمنا بنی آدم" (آیه ۷۰ سوره اسرا) مورد توجه قرار گرفته است.

نکته مهمی که در تفسیر آیات و روایات اسلامی مربوط به حریم خصوصی باید مد نظر قرار گیرد این است که آیات و روایات مذکور بیشتر در قالب احکام تکلیفی از مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند نه در قالب احکام وضعی. لذا مسئولیت نقض کننده حریم خصوصی را که در زمره احکام وضعی است نه تکلیفی، باید از دل احکام تکلیفی استنباط کرد و نباید خرده گرفت که آیات و روایات اسلامی جنبه مذهبی و اخلاقی دارد و نه جنبه حقوقی تا در تحمیل مسئولیت برعهده نقض کننده آن قابل استناد باشد.

رایجترین اصطلاحاتی که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به کار رفته به این شرح است: ممنوعیت تجسس و تفحص و تفتیش، ممنوعیت سوء ظن، ممنوعیت سبّ و هجو و قذف، ممنوعیت نمیمه و غیبت، ممنوعیت تنافس، ممنوعیت خیانت در امانت، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت استراق بصر، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان، ممنوعیت اشاعه فحشا (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۹۵).

البته بررسی همه این موارد از حوصله این مقاله خارج است اما می‌توان به فراخور این مقاله بعضی از مهمترین موارد را مد نظر قرار داد؛ برای مثال، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور در قرآن کریم با حمایت از حریم خصوصی منزل افراد، بهترین نمونه در این رابطه است به گونه‌ای که این آیات بر لزوم رعایت حریم خصوصی مساکن تأکید کرده و افراد را از ورود به منزل غیر بدون اجازه صاحب مسکن منع کرده است: "ای اهل ایمان، هر گز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحب آن انس و اجازه ندارید، وارد نشوید و (چون رخصت یافتید و داخل شدید) به اهل آن خانه سلام کنید که این امر برای حسن معاشرت و ادب، شما را بسی بهتر است؛ باشد که متذکر شوید و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه بیابید و چون گفته شد برگردید به زودی بازگردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر آنچه می‌کنید داناست."

هم‌چنین در بیان ممنوع بودن تجسس و تفتیش در امور دیگران، آیه ۱۲ سوره حجرات به طرز روشنی بیان می‌کند: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید از ظن زیاد دوری کنید، همانا برخی از ظن‌ها گناه است و در احوال مردم تجسس نکنید...." (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

هم‌چنین سنت اسلامی نیز در بیان ممنوع بودن استراق سمع و بصر، راهگشاست؛ از جمله اینکه پیامبر اکرم فرمودند: "هر کس به مکالمات دیگران در جایی که آنها مایل نیستند گوش دهد، روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود" (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

امام علی (ع) نیز در نامه خویش به مالک اشتر، هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر انتخاب کردند، تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده است و مالک را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را اشکار می‌سازند، توصیه فرموده است (آشوری، ۱۳۸۱).

در همین ارتباط در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) سوء ظن نیز به عنوان منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل برای برخورداری از رویکردی بنیادین در برخورد با معضل تجسس به مردم توصیه شده است که از سوءظن درباره رفتار دیگران پرهیز کنند؛ به ظاهر اعمال و گفته‌ها اعتماد کنند مگر اینکه خلاف آن اثبات شود نه اینکه ظواهر را با سوء ظن مورد تفتیش قرار دهند.

در حمایت از حریم خصوصی افراد در آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاص منوط به استیناس و استیذان شده است. استیناس یعنی هنگام ورود به منزل دیگران باید خود را معرفی کرد و آشناییهای لازم را به صاحب منزل داد تا وی در صورت تمایل در را بگشاید. استیذان نیز یعنی کسب رضایت صاحب منزل پیش از ورود به آن. امروزه استیناس و استیذان دو شرط بسیار مهم در تفتیش و بازرسی از منازل اشخاص است که از مقتضیات رعایت حقوق شهروندی افراد به شمار می‌رود. سرانجام می‌توان گفت مطالعه کتابهای فقهی و روش درک آنها از آیات و روایات اسلامی و هم‌چنین مدّ نظر قرار دادن عرف جوامع اسلامی و آنچه به عنوان بنای عقلا مدّ نظر قرار می‌گیرد بخوبی اهمیت مفهوم "حریم خصوصی" و لزوم احترام به مصادیق آن را در آموزه‌های دین اسلام به اثبات می‌رساند.

۵. مصادیق حریم خصوصی و تکالیف مربوط به تضمین و رعایت حریم آنها

پس از ارائه تعریف حریم خصوصی و مطالعه مبانی شرعی و قانونی این مفهوم، سعی می‌شود مصادیق حریم خصوصی و بویژه تکالیفی که نیروهای پلیس در ارتباط با تضمین و رعایت این مصادیق دارند به طرز درهم تنیده‌ای مورد بررسی قرار گیرد. مصادیق حریم خصوصی را در دو بخش (۱) حریم خصوصی مربوط به اموال، مسکن، اتومبیل و تمامیت جسمانی و معنوی (۲) حریم خصوصی مربوط به اطلاعات حریم خصوصی مربوط به اسرار و ارتباطات می‌توان مد نظر قرار داد.

۵-۱. حریم خصوصی مربوط به اموال، مسکن، اتومبیل و تمامیت جسمانی و معنوی

همان‌طور که اشاره شد، طبق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند» (محسنی و قاسم زاده، ۱۳۸۵: ۲۱).

در میان اموال، مسکن بویژه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چون انسان از مسکن به‌عنوان محل آسایش و رفاه خود استفاده می‌کند و خلوت‌ترین محلی است که می‌توان برای آن ترسیم کرد. اهمیت مسکن به عنوان یکی از مصداقهای برجسته حریم خصوصی به قدری زیاد بوده است که مسکن را جدای از مال و مستقل از آن ذکر کرده؛ چون ممکن است مال شخص نباشد و استیجاری باشد ولی از نظر قانون هر جایی که به عنوان مسکن مورد استفاده قرار گیرد محکوم به حرمت است (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی برای مستخدمین و مأموران قضایی و غیر قضایی (از جمله نیروهای پلیس) یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده است و بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شوند، مجازات حبس از یک تا سه سال تعیین کرده است و اگر این کار در شب واقع شود، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

هم‌چنین در قانون آیین دادرسی کیفری، تصمیمات ویژه‌ای در مورد مأموران قضایی و هم‌چنین نیروهای پلیس به منزل افراد پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۹۶ قانون مزبور، تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیای افراد در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد. قاعده‌تاً باید این ضرورت برای مقام قضایی احراز شده، و به صدور قرار قضایی منجر گردیده باشد و نمی‌تواند به صورت خودسرانه و با نظر شخصی ضابطان دادگستری انجام شود. حتی در این موارد قانونی هم، طبق ماده ۹۸ همان قانون، تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین انجام می‌شود. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی‌المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می‌شود و تنها در صورت فوریت تفتیش و بازرسی و عدم حضور شخصی در محل، صرفاً با دستور دادگاه با قید فوریت و ذکر دلایل آن، حق تفتیش و بازرسی بدون حضور صاحبان یا متصدیان اماکن وجود دارد.

به علاوه ماده ۱۰۳ همان قانون بیان می‌دارد که از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم فقط آنچه راجع به واقعه جرم است «مورد تفتیش قرار می‌گیرد و در سایر اشیای موجود در حریم خصوصی افراد باید با کمال احتیاط رفتار نمود و موجب نشود مضمون و محتوای آنها که ارتباط با جرم ندارد افشا شود.» (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۲۸۴).

هم‌چنین بسیار مهم است که توجه شود مالکیت بر مسکن، طبق ماده ۳۸ قانون مدنی، علاوه بر حریم داخلی مسکن، فضای زیرین و بالای آن را نیز شامل می‌شود و به عنوان مثال نمی‌توان به بهانه مقابله با جرم خاص، بدون صدور قرار قضایی، آن هم با رعایت دقیق ضوابط یاد شده، به نقض حریم پشت بام‌های مسکن افراد پرداخت.

علاوه بر مسکن، باید در میان اموال به حریم شخصی اتومبیلها هم اشاره کرد. در حقوق ایران طبق ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری، بازرسی اتومبیلها در جرایم غیرمشهود منوط به کسب اجازه از مقام قضایی است.

در ارتباط با حریم خصوصی افراد، علاوه بر مقررات مربوط به بازرسی اموال، اشیاء، مسکن و اتومبیل باید مقررات مربوط به بازرسی بدنی را نیز مد نظر قرار داد؛ زیرا یکی از موارد حریم خصوصی انسان، حریم جان و بدن وی است. در این زمینه قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوط، مقررات خاصی را پیش‌بینی نکرده است و در عمل به طرز بسیار شایع و بدون احساس کوچکترین محدودیتی انجام می‌شود. در حالی که همان‌طور که ذکر شد، ماده ۹۶ قانون فوق‌الذکر فقط از تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء، آن هم در مواردی که حسب دلایل قوی ظن کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد صحبت می‌کند و این امر هم طبق ماده ۲۴ همان قانون، منحصرأً با اجازه مقام قضایی امکانپذیر است و هیچ اشاره‌ای به جواز بازرسی بدنی و تفتیش تن نمی‌کند و از هیچ یک از مواد دیگر قانون هم این جواز استنباط نمی‌شود (خلخالی، ۱۳۷۹).

در عمل بازرسی و تفتیش با بازرسی بدنی و وسایل همراه می‌پردازند. به نظر می‌رسد در این باره باید مقررات شفاف و مناسبی با در نظر گرفتن ضروریات مربوط به حسن اجرای وظایف پلیس و هم‌چنین حقوق و آزادیهای اساسی افراد و بویژه حریم خصوصی مربوط به تمامیت جسمانی آنها به تصویب برسد و البته تا قبل از تصویب چنین مقرراتی با تفسیر مضیق از اختیارات پلیس، صرفاً موارد بازرسی بدنی را در محدوده موارد ضروری و با وجود ظن قوی بر ارتکاب جرم و در عین حال با رعایت احترام به حیثیت افراد در هنگام بازرسی آنها مجاز دانست.

۵/۲. حریم خصوصی مربوط مربوط به اطلاعات، اسرار و ارتباطات

همان‌طور که در قسمت قبل هم بررسی شد در پاسخ به این سؤال که چه مقامی اختیار صدور مجوز برای مداخله در حریم خصوصی افراد را دارد، می‌توان گفت که علی‌الاصول تنها قضات از این اختیار برخوردارند. در این رابطه همان‌طور دخالت در حریم خصوصی منازل، اماکن و اشیا باید به موجب قراری باشد که قاضی صادر می‌کند، دخالت در حریم خصوصی مربوط به اطلاعات، اسرار و ارتباطات هم باید با دستور مقام صالح قضایی باشد.

باید اشاره کرد که توسعه قلمرو و حریم خصوصی به مصادیق مربوط به دسته دوم، بیشتر ناشی از تحولات مربوط به پیشرفت فناوری و مقتضیات زندگی در دنیای الکترونیکی مدرن بوده است (بیات کمیتکی، ۱۳۸۵).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۵ قانون اساسی، این دسته از مصادیق مربوط به حریم خصوصی را مد نظر قرار داده است: «بازرسی و خواندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» (بالوی، ۱۳۸۴: ۸-۳۸).

در توضیح این اصل، مواد ۵۸۲ و ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی به ترتیب حریم خصوصی ارتباطات و حریم خصوصی اطلاعات را مورد توجه قرار داده است و برای آن دسته از مأموران دولتی که به نقض این حریم بپردازند، ضمانتهای اجرایی کیفری پیش‌بینی کرده است.

ماده ۵۸۲ مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مأموران دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده است، حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا کند به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۴ همان قانون نیز بیان می‌دارد: «هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنها سپرده شده یا برای اجرای وظایفشان به آنها داده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.»

ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری در بیان مواردی که قانوناً می‌توان به ملاحظه، تفتیش یا بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم پرداخت، آن را منوط به ضروری بودن برای کشف جرم و هم‌چنین دستور قاضی پرونده دانسته است و طبق تبصره همان ماده، کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط می‌شود یا برای احقاق حق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است و ضمانت اجرای تخلف از آن نیز در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (مذکور در فوق) در قالب حبس و جزای نقدی مشخص شده است (پیکارد^۱، ۱۹۹۹: ۲-۱۰).

۶. علل موجهه جواز نقض حریم خصوصی در موارد معین و ضوابط قانونی آن

همان‌طور که در فصل قبل نیز به برخی استثنائات مربوط به نقض حریم خصوصی به حکم قانون یا حکم مقام صالح قضایی به طور قانونی و در حدود صلاحیتهای مقرر در قانون اشاره شد، باید اذعان کرد اگر

چه حق بر حریم خصوصی یکی از حقوق و آزادیهای اساسی شناخته شده برای انسان است، باید توجه داشت به غیر از حقوق بنیادین مانند حق زندگی کردن، مقید نبودن سایر حقوق و غیر قابل تعرض بودن مطلقشان امری ناممکن و نشدنی است. حقوق و آزادیهای فردی می‌تواند در تعارض با حقوق و آزادیهای سایرین، مصالح عمومی جامعه یا نظم عمومی قرار بگیرد؛ لذا در عین حال که هر دولت به تضمین این حقوق، نظم عمومی و منافع عامه و در کل مصلحت جامعه را نیز در نظر رد و موارد جواز تحدید این حقوق و آزادیها را نیز پیش‌بینی می‌نماید (میرشمس، ۱۳۸۶: ۱۷).

در این رابطه "نظم عمومی" را می‌توان قواعد مربوط به حسن جریان امور در اداره یک کشور یا حفظ اخلاق و امنیت در میان شهروندان دانست که تابع زمان و مکان جامعه است با احتیاجات و هدفهای آن ارتباط پیدا می‌کند و بر اساس قرارداد اجتماعی توثیق می‌یابد (جوزف^۱، شالتز^۲ و کاستان^۳، ۲۰۰۰: ۳۵۳). "مصلحت عمومی" نیز اجمالاً مربوط می‌شود به موضوعی خاص که حیات تمامی اعضای جامعه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به دیگر سخن می‌توان مصلحت عمومی با نفع همه برابر تلقی کرد (همان: ۳۵۵).

"امنیت ملی" را نیز می‌توان به معنای مصونیت کشور از تعرض دیگر کشورها، حفظ تمامیت ارضی و استقلال آن و به عبارت روشن‌تر حفظ ذات و اساس کشور یا وجود آن دانست (ترچسل^۴، ۲۰۰۵: ۵۳۸). البته اگر مفاهیم یاد شده از یک سو بسیار پراهمیت به نظر می‌رسد و دلایل واقعی را برای محدود کردن قلمرو حقوق و آزادیهای افراد در بعضی زمینه‌های خاص فراهم می‌آورد از سوی دیگر ماهیت چالش برانگیز، مبهم، نارسا و بسیار کلی آنها می‌تواند بهانه‌ای برای مداخلات خودسرانه و بدون حد و مرز در حقوق و آزادیهای افراد و بویژه حریم خصوصی آنها قرار بگیرد.

راه‌حلی که برای جلوگیری از سوء استفاده از ابهام این اصطلاحات مورد نظر قرار گرفته این است که در پی شناسایی حقوق افراد در قانون اساسی در همان منبع موارد و شرایط کلی ممکن برای نقض آن حق یا آزادی، بیان گردد و در مرحله بعد در سایر قوانین مربوط، مصادیق دقیق‌تر و شرایط جزئی‌تعریف و تشریح شود (همان: ۵۴۰)؛ به عنوان مثال اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.» در ادامه در بیان شرایط چنین عنوان شده است: «در صورت بازداشت، موضوع اتهام با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد.» البته در باب حریم خصوصی، مسئله بدین صورت بیان نشده است و صرفاً احترام به حریم خصوصی در اصول ۲۲ و ۲۵ "مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند" و "مگر به حکم قانون" به طور مطلق مورد حمایت قرار گرفته است. در قوانین عادی بویژه مواد ۹۶ تا ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری به شرحی که در فصل قبل گذشت، شرایط و کیفیات تفتیش و بازرسی اماکن، منازل و اشیا و مکاتبات و مراسلات را مشخص کرده است (میرشمس، ۱۳۸۶).

در تکمیل مقررات داخلی، نگاهی به اسناد بین‌المللی نیز مشخص می‌سازد که ضوابط نقض حریم خصوصی را در سه مورد می‌توان خلاصه کرد: الف) قانونی بودن ب) خودسرانه بودن ج) ضرورت داشتن.

1. Joseph
2. Schultz
3. Castan
4. Trechsel

طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز بدان پایبند است، نقض حقوق و آزادیهای انسانی از جمله حق بر حریم خصوصی، بدون مصوبه قانونی ممکن نخواهد بود و هیچ مداخله‌ای نمی‌تواند صورت بگیرد مگر در مواردی که توسط قانون در نظر گرفته شده باشد. مداخله مجاز توسط دولت‌ها فقط می‌تواند براساس قانون صورت گیرد (جوزف، شالتز و کاستان، ۲۰۰۲: ۳۵۳).

از سوی دیگر، قانون ناقض حقوق و آزادیها از لحاظ ماهوی باید دقیق و مشخص باشد و به صورت جزئی شرایطی را که در آن نقض حقی مانند حق بر حریم خصوصی مجاز دانسته شده است و نیز افرادی را که حق نقض این حق را دارند و یا در این زمینه می‌توانند تصمیم گیرنده باشند، پیش‌بینی نماید به‌گونه‌ای که به اصطلاح برای افراد، شرایط و موارد نقض حقوقشان قابلیت پیش‌بینی داشته باشد. هم‌چنین مقرر تصویبی باید منتشر شده و به اطلاع همگان رسیده باشد تا قابلیت استناد داشته باشد. قانونی که این ویژگیها را نداشته باشد، مورد ایراد است و مفهوم واقعی اصل حاکمیت قانون را برآورده نمی‌سازد (همان: ۳۵۵).

هم‌چنین کیفیت قانونی نیز مدنظر است. ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «مداخله خودسرانه» را در حریم خصوصی افراد ممنوع کرده است. ممنوعیت "مداخله خودسرانه" طبق تفاسیر کلی کمیته حقوق بشر از میثاق به مداخله پیش‌بینی شده تحت قانون هم قابل تسری است. ممنوعیت مداخله خودسرانه طبق تفاسیر این نهاد از ماده ۱۷ میثاق به معنای پایبندی دولت‌ها به اهداف اساسی مقرر در میثاق در وضع مقررات تضمین کننده حقوق است. در این راستا این‌گونه مقرر شده است که " طرح مفهوم خودسرانه قصد دارد تضمین کند که حتی مداخله‌ای که توسط قانون مقرر شده باید مطابق مواد، اهداف و مقاصد میثاق باشد و نیز در هر شرایطی در اوضاع و احوال خاص معقول باشد. " لزوم "معقول بودن" با اشاره به اینکه هر مداخله‌ای در حریم خصوصی باید با هدف مورد نظر متناسب و در اوضاع و احوال هر مورد ضرورت داشته باشد، مورد تفسیر قرار گرفته است (ترسچل، ۲۰۰۵: ۵۳۸).

به همین منظور در تکمیل دو ضابطه "قانونمند بودن" و "خودسرانه نبودن" از ضابطه "ضرورت داشتن" نام برده شده است که همان مفهوم "معقول و متناسب بودن مداخله" را در جهت اهدافی چون حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی یا حفظ حقوق و آزادیهای دیگران را بیان می‌دارد. مداخله در حریم خصوصی افراد باید به علت نیاز شدید اجتماعی باشد و موارد مجاز قانونی برای مداخله باید به صورت محدود تفسیر شود (همان: ۵۴۰). لذا برای جمع‌بندی می‌توان گفت اصل بر ممنوع بودن نقض حریم خصوصی است؛ چه این نقض از سوی مأموران رسمی صورت گیرد و چه افراد عادی اقدام به نقض حریم خصوصی دیگران بدون رضایت آنها کنند. بویژه نیروهای دولتی به طور عام و نیروهای پلیس به طور خاص در وهله اول باید از مداخله غیرقانونی در حقوقی چون حق بر حریم خصوصی بپرهیزند و در عین حال به حمایت از این حقوق در برابر تعدیات احتمالی سایر افراد بپردازند (میرشمس، ۱۳۸۷).

نیروهای پلیس هم‌چنین می‌توانند در برخی موارد به دلیل ضرورت اجتماعی متناسب و معقول برای تضمین منافع عمومی و نظم عمومی و احترام به حقوق سایر افراد به مداخله در حریم خصوصی بعضی از شهروندان، طبق قانون و یا با حکم مقام قضایی صالح در حدود اختیارات قانونی و مطابق با اصول قانون بپردازند. البته ضابطه‌مند کردن نقض حریم خصوصی با وضع قوانین و مقررات دقیق داخلی و با توجه به سه ضابطه قانونی بودن، خودسرانه نبودن و ضرورت داشتن انجام می‌گیرد و ضمن اعلام اینکه اصل بر برخورداری از حقوق و آزادیهای فردی است با بر شمردن جهات ضرورت در نقض این حقوق به استثنای ضروری بر اصل، موارد احتمالی نقض حقوق نیز اعلام می‌شود.

منابع و مأخذ فارسی

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۱)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۲. آشوری، محمد، (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران: نشرگرایش
۳. انصاری، باقر، (۱۳۸۴)، حمایت از حریم خصوصی، تهران: اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری.
۴. انصاری، باقر، (۱۳۸۳)، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶.
۵. المجلسی، الشیخ محمد باقر، (۱۳۷۷)، بحارالانوار، ترجمه انتشارات دارالکتاب قم، ۱۳۷۷
۶. بالوی، مهدی، (۱۳۸۴)، مطالعه تطبیقی شورای امنیت ملی در قانون ایران و نهادهای مشابه در سایر کشورها، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۷. بیات کمیتکی، مهناز، (۱۳۸۵)، ارزیابی مفهوم مصلحت عمومی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۸. خلخالی، سید فرید، (۱۳۸۴)، آزادی و نظم عمومی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
۹. دشتی، محمد، (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علامه.
۱۰. راسخ، محمد، "تئوری حق و حقوق بشر بین الملل"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱، ۱۳۸۴
۱۱. رحمدل، منصور، (۱۳۸۴)، حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، حکومت قانون و جامعه مدنی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوازدهم.
۱۴. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۳)، قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
۱۵. محسنی، فرید و نجفی، محسن، (۱۳۷۹)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات بین المللی المهدی.
۱۶. محسنی، فرید و قاسم‌زاده، فریدون، (۱۳۸۵)، حریم شخصی در فضای مجازی، با تکیه بر حقوق ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی شریف، دانشگاه صنعتی شریف، شماره ۳۴.
۱۷. موحد، محمدعلی، (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت، تهران: انتشارات کارنامه.
۱۸. مهرپور، حسین، (۱۳۸۴)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۹. وکیل، امیر و عسگری، پویا، (۱۳۸۳)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات مجد.

۲۰. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: نشر میزان.
۲۱. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران: انتشارات میزان.
۲۲. مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، گزیده‌ای از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۲۳. میرشمس، مانده، دولت و حریم خصوصی؛ حمایت و تعدی، ارائه شده در همایش دولت و تصمیمات مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۲۷ و ۲۸ آبان ۱۳۸۷، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۴. میرشمس، مانده، (۱۳۸۵)، حمایت از حریم خصوصی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.

منابع و مأخذ انگلیسی

1. Standford Encyclopedia of Philosophy, Privacy: at <http://plato.stanford.edu/entries/privacy>
2. Rhona K.M Smith; Christien Van der Anker, " The essentials of Human Rights", Hodder Arnold Publication, Great Britain, 2005.
3. Sara Joseph; Jenny Schultz & Melissa Castan, " The international Covenant on Civil and Political Rights" (Cases, Materials and commentary), Oxford university press, 2000.
4. Stefan Treschel, " Human Rights in criminal Proceedings", Oxford university press, 2005.
5. Picard. Etienne, " Protecting Privacy", Oxford university press, 1999.
6. Daniel J. solove: " conceptualizing privacy", california law Review, Vol.90,2002
7. Kate Froom; "Defining Privacy". VLRC, 2002
8. Carlyne Poyle & Mirko Bayaric: " The Right to Privacy: Appealing bat flawed", The International Sournal of Haman Rights, vol.9.NO.1.2003